



اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران

بررسی مواد " لایحه تقویت اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بازار ارز "

آذر 1402

مقدمه :

نوسانات شدید نرخ ارز طی سالهای اخیر فضای کسب و کار کشور را ملتهب و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد را برای فعالان اقتصادی با ابهام روبه‌رو ساخته است. نوسانات بازار ارز و نااطمینانی ایجاد شده، هم طرف عرضه اقتصاد و هم طرف تقاضا را به شدت متاثر کرده است.

بانک مرکزی به عنوان نهاد پولی و متولی اصلی بازار ارز، با اتخاذ سیاست‌های بعضاً نامناسب، شرایط را برای بخش خصوصی سخت‌تر کرد. ملزم شدن فعالان اقتصادی به بازگشت ارز به چرخه اقتصادی بدون در نظر گرفتن تنگناهای حاکم بر فضای اقتصادی و نادیده گرفتن شرایط تحریم و هزینه‌های مترتب با آن، بر مشکلات فعالان اقتصادی افزوده و سبب خروج فعالان اقتصادی خوش‌نام و شناسنامه‌دار از چرخه اقتصادی کشور شده است. به عنوان مثال بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور که سهم بزرگی در اشتغال کل کشور دارد (حدود ۲۰ میلیون نفر به صورت مستقیم در این بخش مشغول به فعالیت می‌باشند)، طی دو سال اخیر نه تنها رشد صادرات نداشته که علی‌رغم افزایش کل صادرات کشور، کاهش بیش از ۲۰ درصد صادرات را تجربه نموده است که در صورت حمایت امکان افزایش دوبرابری آن نیز وجود دارد. صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۹۹، حدود ۴.۸ میلیارد دلار، سال ۱۴۰۰ حدود ۳.۸ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۱، حدود ۳.۶ میلیارد دلار بوده است. ریشه یابی موضوع کاهش صادرات محصولات کشاورزی طی چند سال اخیر حاکی از آن است که وجود تحریم‌های ظالمانه و مشکلات مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات، از عوامل اصلی تشدید کاهش صادرات محصولات کشاورزی به شمار می‌آیند.

نرخ ارز یک متغیر کلیدی است که تغییرات آن تولیدکنندگان، صادرکنندگان، واردکنندگان، خانوارها تا دولت را متاثر می‌سازد. لذا تصمیم‌گیری درباره این متغیر حیاتی باید حتماً بر اساس مبانی علمی و تجارب و نظرات فعالان اقتصادی درگیر با آن و با سنجش آثار آن بر تولید و صادرات صورت گیرد. تقویت مدیریت بازار ارز در جهت حمایت از تولید و فعالیتهای اقتصادی، همواره مورد تایید و تاکید بخش خصوصی است، ولیکن لایحه فعلی اهداف موردنظر در راستای تقویت اختیارات بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز را محقق نمی‌سازد و دارای ابهامات و نقاط ضعفی می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد.

اظهار نظر درباره کلیات لایحه

متن و مفاد لایحه مذکور حاکی از قصد و تصمیم قانونگذار در تشدید مجازات متخلفین از ضوابط و مقررات ارزی کشور است. به عبارت دیگر قانونگذار در این لایحه سعی کرده است که نظم و نظام از دست رفته در این حوزه را با ابزار مجازات‌ها برگرداند. اما اصول مهمی به شرح ذیل در تهیه و تدوین این لایحه مورد توجه و عنایت لازم قرار نگرفته است:

❖ اصلاح قانون در حالتی انجام می‌گیرد که اصل قانون دارای نواقص، ایرادات و ابهاماتی باشد که به دلیل ایرادات و نواقص مزبور، هدف و خواسته نهایی از تصویب آن محقق و حاصل نمی‌گردد و نتیجتاً قانونگذار با کسب اطلاعات لازم و شناسایی دقیق نقاط ضعف، ایرادات و نواقص قانون موجود، نسبت به اصلاح و رفع ایرادات و نواقص قانون موردنظر اقدام می‌نماید. با این توضیحات این سوال مطرح می‌شود که آیا در مورد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که بیش از یکسال از تاریخ تصویب اصلاحیه آن می‌گذرد، چنین تحقیقی شده است؟

❖ لایحه حاضر مغایر با تبصره (۶) بند (ح) ماده (۲) مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در این تبصره روشهای رفع تعهد ارزی برای صادرکنندگان مشخص شده است، اما این لایحه اختیاراتی به بانک مرکزی می‌دهد که می‌تواند فراتر از موارد ذکر شده در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصمیم‌گیری و اقدام نماید.

❖ سیاست جزائی و نظام مجازات‌ها، یک امر استثنایی است و نمی‌توان با مجازات و مقررات جزایی، نظم اقتصادی ایجاد کرد. نظم اقتصادی با رعایت اصول علم اقتصاد و قوانین صریح و شفاف در حوزه‌های تجارت- بانکی و پولی- بیمه- گمرک- حمل و نقل و غیره ایجاد می‌شود و با سیاست جزایی و نظام مجازات‌ها از آنها حمایت می‌گردد. بنابراین نباید مجازات اصل باشد؛ چراکه نظام مجازات‌ها، ایجاد کننده و تکمیل کننده زنجیره نظم اقتصادی است. آیا قانونگذار در خصوص دلایل اینکه صادر کنندگان خرد تمایلی به فروش ارز حاصل از صادرات خود با نرخ اعلامی بانک مرکزی ندارند، تحقیق کرده است؟ آیا این عدم تمایل صرفاً ناشی از سوداگری و کسب سود و درآمد بیشتر است که آن‌ها را مستوجب تشدید مجازات می‌داند؟ اگر چنین تحقیقی نشده باشد و لایحه موصوف صرفاً در مقام عکس‌العمل به رفتار بازار تهیه شده باشد، قطعاً به سرنوشت سایر قوانین در حوزه کسب و کار دچار می‌شود که هیچگاه منتج به نتیجه مورد نظر نگارندگان آن نشده است. شایسته ذکر است که دستور به بازار، نتیجه‌ای جز غیرشفاف شدن محیط کسب و کار و در نهایت خروج فعالان اقتصادی با حسن نیت از بازار را نخواهد داشت.

❖ در شرایط فعلی که به دلیل تحریم‌ها، عدم پیوستن به FATF و قرار گرفتن اسم کشور در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی، عدم ارتباط بانک مرکزی با بانک‌های جهانی، قطع بودن سوئیفت، عدم امکان گشایش اعتبار اسنادی، عدم امکان استفاده از ضمانت‌نامه بانکی و غیره، شرکت‌ها با روش‌های پیچیده، مجبور به دور زدن تحریم‌ها و نقل و انتقالات پولی هستند، بانک مرکزی چگونه می‌خواهد وجوه را از صادرکنندگان دریافت نماید و چگونه این وجوه را برای واردکنندگان حواله نماید. با عنایت به اینکه بانک مرکزی، ابزارهای بانکی لازم را در اختیار ندارد، لذا اینگونه به نظر می‌رسد که بانک مرکزی تمایل به استفاده از شرکتهای تراستی دارد که در این صورت از وظایف نظارتی خویش خارج می‌گردد و به سمت تصدی‌گری در فعالیتهای پولی و ارزی سوق می‌یابد. به طور کلی، با توجه به نداشتن نظام پرداخت رسمی و اتکا به نظام تراستی محور، صادرکنندگان می‌توانند مانع از تسلط بانک مرکزی بر جریان‌های ارزی صادراتی شوند. همچنین این سوال نیز پیش می‌آید که شرکتهای

تراستی تا چه حد می‌توانند همانند صرافها و شرکت‌های صادراتی که بخش خصوصی هستند، به صورت پوششی عمل نمایند و در این زمینه موفق عمل کنند؟

❖ وقتی در قانون برای بازگشت ارز به چرخه اقتصادی کشور، صرفاً روش فروش ارز به بانک مرکزی در نظر گرفته می‌شود و سایر موارد مصداق قاچاق ارز در نظر گرفته می‌شود، در واقعیت بازاری وجود نخواهد داشت. زمانی که بانک مرکزی شخصاً خریدار ارز است، تعیین کننده قیمت ارز هم خواهد بود. متأسفانه به دلایل عوام‌گرایانه به جای آنکه معیار اتخاذ سیاست‌های ارزی، تقویت تولید و صادرات باشد، کنترل نرخ ارز مبنای سیاست‌ها و تعیین نرخ ارز است. ممکن است برای مدتی کوتاه نرخ ارز از طریق اجبار صادرکنندگان و ارزشیابی کنترل شود، اما با اولین شوک، با جهش نرخ ارز و بحران ارزی رو به رو خواهیم بود.

با توجه به نکات فوق‌الذکر، اتاق ایران مخالفت خود را با کلیات لایحه اعلام می‌نماید.

اظهار نظر درباره مواد لایحه

✓ در ماده (1) به این موضوع اشاره شده که تبصره (4) به شرح ذیل به ماده (7) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز - مصوب با اصلاحات بعدی آن الحاق می‌شود:

"تبصره (4) - تمامی صادرکنندگان کالا و خدمات مکلفند ارز ناشی از صادرات را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اظهار و مطابق ضوابط و روشهایی که آن بانک اعلام می‌کند، تحت مدیریت بانک مرکزی قرار گیرند. بانک یاد شده مجاز است منابع ارزی یاد شده را با نرخ‌های کشف شده توسط آن بانک در بازارهای رسمی، برای واردات یا تهاتر کالاها و یا خدمات در اختیار همان صادرکننده یا سایر واردکنندگان قرار دهد. عدم تحویل ارز صادرکنندگان به بانک مرکزی، مصداق قاچاق ارز بوده و مرتکب به مجازات‌های مندرج در بند (پ) 1 و تبصره (2) ماده (22) این قانون محکوم خواهد شد."

❖ عبارت تحت مدیریت بانک مرکزی مبهم است.

❖ در تبصره پیشنهادی عنوان شده است که ارز صادرکنندگان به «نرخ‌های کشف شده» توسط بانک مرکزی به فروش خواهد رسید. این در حالی است که در آخرین کشف نرخ بانک مرکزی، خلاف قانون احکام دائمی، شاهد نرخ دستوری 28500 تومانی و سقف 40 هزار تومانی در بازار حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران

ادر صورتی که ارزش کالای قاچاق از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال باشد، به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به پرداخت جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق محکوم می‌شود.
موجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط می‌شود.

(نیما سابق) بوده‌ایم. در پی این نرخ‌های دستوری، صف طویل تخصیص و تأمین ارز در پورتال ارزی (برای اقلام 28500 تومانی) و مرکز مبادله شکل گرفته است که منجر به اختلال در زنجیره تأمین و سرریز متقاضیان بازار رسمی به بازار غیررسمی و افزایش نرخ در این بازار شده است.

❖ حتی در صورت موفقیت بانک مرکزی در اجرای این ماده، اختلال اساسی در جریان صادرات و بازار ارز رخ خواهد داد و به افزایش موانع تجاری، افزایش نوسان نرخ ارز در بازار غیررسمی و افزایش بستر فساد و ناکارایی خواهد شد. به این ترتیب بسیاری صادرکنندگان از انجام صادرات منصرف خواهند شد و یا اینکه صادرات از محل استثنائات تجاری و قاچاق، با هدف عدم بازگشت ارز، شدت خواهد گرفت.

❖ عبارت ابتدای تبصره فوق که به موجب آن صادرکنندگان کالا و خدمات مکلف شده‌اند "ارز حاصل از صادرات خود را ضمن اظهار به بانک مرکزی، مطابق روش‌ها و ضوابطی که آن بانک اعلام می‌نماید تحت مدیریت بانک مرکزی قرار دهند" با قسمت اخیر آن که صرف "عدم تحویل ارز از سوی صادرکنندگان به بانک مرکزی" را جرم تلقی کرده در تعارض است.

با عنایت به اینکه بانک مرکزی نهاد ناظر، سیاستگذار پولی و ارزی و نهاد تنظیم گر است، لذا مجزا و مبرا شدن بانک مرکزی از عملیات اجرایی، ضرورتی انکارناپذیر است. درواقع نقش اجرایی را باید بانک‌های عامل، نهادهای مالی و موسسات پولی و مالی ایفا نمایند و بانک مرکزی باید صرفاً وظیفه نظارتی خود را انجام دهد.

✓ براساس ماده (3) لایحه، شماره ماده (45) قانونی پولی و بانکی کشور به (48) اصلاح و متن زیر به عنوان ماده (45) به قانون مذکور الحاق می‌گردد:

"هرگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران براساس قرائن و شواهد موجود متوجه وقوع جرمی در مسائل پولی و بانکی (ارزی و ریالی) در بانکها و موسسات اعتباری شود، می‌تواند به منظور جلوگیری از وقوع جرم یا گسترش دامنه آن، اقدامات پیشگیرانه از قبیل مسدود یا محدودسازی تراکنش‌ها و حسابهای اشخاص را انجام و حداکثر ظرف (48) ساعت بررسی‌های لازم را معمول و در صورت رفع ظن ایجاد شده، نسبت به برطرف کردن محدودیت یا مسدودسازی حساب‌ها اقدام نموده و در غیر این صورت بلافاصله گزارش موضوع را همراه با مستندات، دلایل و مدارک وقوع جرم به مراجع قضایی ارسال کند. مرجع قضایی در اسرع وقت به پرونده رسیدگی و نتیجه را به بانک مرکزی اعلام می‌نماید. در صورت خودداری بانک مرکزی از ارسال به موقع پرونده به مرجع قضایی، این بانک مکلف به جبران خسارت وارده به صاحب یا صاحبان حساب می‌باشد. در این صورت بانک مرکزی جهت دریافت خسارت پرداخت شده به مسبب تاخیر مراجعه خواهد نمود."

❖ تشخیص وقوع جرم در صلاحیت محاکم صالحه قضایی است و طبیعتاً بانک مرکزی فاقد چنین صلاحیت و اختیار قانونی جهت تشخیص وقوع جرم می‌باشد.

❖ انجام هرگونه اقدام از سوی بانک مرکزی جهت مسدود کردن حساب‌های اشخاص (به خصوص اشخاص موضوع حقوق خصوصی)، سلب حقوق قانونی ایشان بوده که و در نتیجه مستلزم رای و دستور مقامات قضایی بوده و از اختیار بانک مرکزی به عنوان یک دستگاه اجرایی غیرقضایی خارج است.

❖ عبارت انتهایی ماده که بانک مرکزی را در صورت عدم ارسال به موقع پرداختی به مرجع قضایی، مکلف به جبران خسارت به صاحب یا صاحبان حساب نموده است، صرفاً یک لفظ است چراکه براساس تجربه تاریخی کشور، هیچ اثر اجرایی بر چنین الزامات و تکالیفی به خصوص اگر طرف بانک مرکزی باشد، مترتب نیست.

✓ در ماده (3) اشاره شده که متن ذیل به عنوان ماده (47) به قانون پولی و بانکی کشور الحاق می‌گردد:

"تشخیص هرگونه اخلال در نظام پولی کشور (شامل ارزی و ریالی) بر عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است."

❖ تفویض اختیار مطلق درخصوص تشخیص اخلال در نظام پولی کشور به بانک مرکزی، دارای ایراد اساسی است و استقلال قوه قضائیه را خدشه دار می‌سازد. اگر تشخیص اخلال در نظام پولی کشور در صلاحیت بانک مرکزی باشد، الزاماً محاکم قضایی نیز ملزم به تبعیت از آن خواهند بود که این امر با استقلال قاضی و تشخیص مستقل قضایی در تعارض قرار دارد.

✓ در ماده (4) به این موضوع اشاره شده که عنوان تبصره ماده (۱۶) قانون امور گمرکی - مصوب ۱۳۹۰ به تبصره (۱) اصلاح و متون زیر به عنوان تبصره های (۲) تا (۴) به ماده مذکور الحاق می‌شود:

"تبصره (2): گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است به درخواست صادر کننده نسبت به بررسی افزایش ارزش مندرج در اسناد گمرکی براساس قیمت نهایی فروش حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ صدور پروانه گمرکی - بدون رعایت مفاد ماده (۱۶) قانون امور گمرکی و شمول جرمیه تبصره ماده (۱۰۷) قانون مذکور اقدام نماید. همچنین گمرک مکلف است در صورتی که صادرکننده مبلغی بالاتر از ارزش پایه گمرکی برای کالاهای اظهاری اعلام نماید، نسبت به بررسی موضوع بدون رعایت مفاد این ماده و بدون شکول جرمیه موضوع تبصره ماده (۱۰۷) این قانون اقدام نماید.

تبصره (3): برگشت ارز حاصل از صادرات باید در چهارچوب مقررات ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.

تبصره (4): اعطای مشوق صادراتی بر اساس ارزش پایه صادرات گمرکی اعمال خواهد شد"

❖ تبصره 2 موجب تسهیل کم اظهاری می‌گردد. چرا که صادرکننده اطمینان دارد که در صورت نیاز، به راحتی می‌تواند در آینده اقدام به اصلاح ارزش گمرکی نماید. پیشنهاد می‌شود مواردی که نیاز به تغییر ارزش گمرکی دارند، درخواست خود را به کارگروه ارزی موضوع آیین نامه برگشت ارز ارائه نمایند و کارگروه این درخواست را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع دهد. این شورا با اتکا به تبصره (8) ماده (12) قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، می‌تواند این صادرکنندگان را مستثنی کند.

❖ عدم برگشت ارز حاصل از صادرات در تبصره (6) ماده (12) قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم انگاری شده و آیین‌نامه مربوطه نیز به تصویب هیئت وزیران رسیده است. اگر اصلاح مشخصی در قانون مورد نیاز است، می‌بایست به طور مشخص ذکر شود. اگر نیاز به تغییر مقررات است، بانک مرکزی می‌تواند از طریق هیئت وزیران اقدام به اصلاح آیین‌نامه نماید. بنابراین ضرورتی برای ذکر تبصره (3) پیشنهادی وجود ندارد.

نکات اصلاحی و پیشنهادی در خصوص مواد لایحه

در صورت اصرار بر تصویب لایحه موردنظر، ضروریست که اصلاحات ذیل در لایحه انجام شود:

بررسی مواد لایحه "تقویت اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بازار ارز"

ماده	متن ماده	توضیحات توجیهی	پیشنهادات اصلاحی
1	متن زیر به عنوان تبصره (4) به ماده (7) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز- مصوب 1392- با اصلاحات بعدی آن الحاق می‌شود: تبصره (4)- تمامی صادرکنندگان کالا و خدمات مکلفند ارز ناشی از صادرات را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اظهار و مطابق ضوابط و روشهایی که آن بانک اعلام می‌کند، تحت مدیریت بانک مرکزی قرار گیرند. بانک یاد شده مجاز است منابع ارزی یاد شده را با نرخهای کشف شده توسط آن بانک در بازارهای رسمی، برای واردات یا تهاتر کالاها و یا خدمات در اختیار همان صادرکننده یا سایر واردکنندگان قرار	-بانک مرکزی نهاد ناظر، سیاستگذار پولی و ارزی و نهاد رگولاتور است، لذا مجزا و مبرا شدن بانک مرکزی از عملیات اجرایی، ضرورتی انکارناپذیر است. نقش اجرایی را باید بانکهای عامل، نهادهای مالی و موسسات پولی و مالی ایفا نمایند و بانک مرکزی باید صرفا وظیفه نظارتی خود را انجام دهد. لذا ضرورت دارد که صادرکننده با بانک عامل برای طرح مسائل و دریافت پاسخ مناسب، در ارتباط باشد. بنابراین عملیات اجرایی باید توسط بانک عاملی که شناخت کافی به صادرکننده (خوش حساب یا بد حساب بودن) دارد، انجام و مورد پیگیری قرار گیرد.	❖ <u>متن به شکل زیر اصلاح گردد:</u> "تمامی صادرکنندگان کالا و خدمات مکلفند ارز ناشی از صادرات را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اظهار و مطابق ضوابط و روشهایی که آن بانک اعلام می‌کند، از طریق بانکهای عامل و موسسات پولی و نهادهای مالی مجاز تعیین شده از سوی بانک مذکور، تحت مدیریت بانک مرکزی قرار دهند. بانک مرکزی مجاز است منابع ارزی یاد شده را با نرخهای رایج در بازارهای رسمی برای واردات یا تهاتر کالاها و یا خدمات در اختیار صادرکننده قرار دهد و در صورت عدم نیاز صادرکننده به ارز حاصله، با نرخ توافقی در اختیار سایر واردکنندگان قرار دهد."

پیشنهادات اصلاحی	توضیحات توجیهی	متن ماده	ماده
<p>❖ با توجه به وجود تعارض میان دو عبارت "عدم تحویل ارز از سوی صادرکنندگان به بانک مرکزی" و "تحت مدیریت گرفتن ارز صادرکنندگان توسط بانک مرکزی، ضروریست که عبارت "عدم تحویل ارز صادرکنندگان به بانک مرکزی" به عبارت "عدم رعایت تکالیف مذکور از سوی صادر کنندگان" تغییر یابد.</p>	<p>-عبارت ابتدای تبصره فوق که به موجب آن صادرکنندگان کالا و خدمات مکلف شده‌اند "ارز حاصل از صادرات خود را ضمن اظهار به بانک مرکزی، مطابق روش‌ها و ضوابطی که آن بانک اعلام می‌نماید تحت مدیریت بانک مرکزی قرار دهند" با قسمت اخیر آن که صرف "عدم تحویل ارز از سوی صادرکنندگان به بانک مرکزی" را جرم تلقی کرده در تعارض می‌باشد. مفهوم عبارت تحویل، نوعی عمل فیزیکی است که طی آن مالی از دست تحویل دهنده خارج و در دست تحویل گیرنده قرار می‌گیرد. در مورد وجوه ارزی موضوع این قانون نیز تحویل به معنای انتقال از حساب صادرکننده به حساب بانک مرکزی می‌باشد. در حالی که تحت مدیریت گرفتن ارز صادرکنندگان الزاماً به معنی تحویل آن به بانک مرکزی نمی‌باشد. به عبارت دیگر ارز صادرکنندگان می‌تواند در اختیار صادرکننده، ولی تحت مدیریت بانک مرکزی باشد. در این صورت صادرکننده</p>	<p>دهد. عدم تحویل ارز صادرکنندگان به بانک مرکزی، مصداق قاچاق ارز بوده و مرتکب به مجازات‌های مندرج در بند (پ) و تبصره (2) ماده (22) این قانون محکوم خواهد شد.</p>	

پیشنهادات اصلاحی	توضیحات توجیهی	متن ماده	ماده
	<p>تکالیف خود در صدر این تبصره، یعنی اظهار و تحت مدیریت قرار دادن ارز حاصل از صادرات را انجام داده است، ولی می‌تواند به دلیل تحویل نشدن فیزیکی آن به بانک مرکزی و مشخص و بدیهی بودن معنی تحویل از یک سو و عدم امکان تفسیر مقررات جزایی در محاکم قضایی از سوی دیگر، جرم تلقی گردد! که قطعاً این امر مورد نظر قانونگذار نمی‌باشد.</p>		
<p>❖ پیشنهاد می‌شود که مقام قضایی در ابتدای فرایند قرار گیرد و اینگونه نباشد که در انتهای کار و بعد از انسداد حساب واقع شده باشد.</p> <p>❖ با توجه به مطلب فوق‌الذکر ضرورت دارد که مفاد ماده (45) قانون پولی و بانکی در ماده (3) لایحه به شکل ذیل اصلاح گردد:</p> <p>"در صورتی که بانک مرکزی متوجه عملکرد و تراکنش‌های غیرمعمول و مشکوک در حساب‌های اشخاص گردد، می‌تواند به منظور جلوگیری از گسترش آن، اقدامات پیشگیرانه از قبیل ایجاد بعضی محدودیت‌ها جهت تراکنش‌های مورد نظر و یا</p>	<p>- تشخیص وقوع جرم در صلاحیت محاکم صالحه قضایی است و طبیعتاً بانک مرکزی فاقد چنین صلاحیت و اختیار قانونی جهت تشخیص وقوع جرم می‌باشد. لذا انجام هرگونه اقدام از سوی بانک مرکزی جهت مسدود نمودن حساب‌های اشخاص (به خصوص اشخاص موضوع حقوق خصوصی)، سلب حقوق قانونی ایشان بوده که نتیجتاً مستلزم رای و دستور مقامات قضایی بوده و از اختیار بانک مرکزی به عنوان یک دستگاه اجرایی غیرقضایی خارج است.</p> <p>- ضمانت اجرایی در خصوص تکلیفی که در</p>	<p>شماره ماده (45) قانون پولی و بانکی کشور- مصوب 1351- به (48) اصلاح و متون زیر به عنوان مواد (45) تا (47) به قانون مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>ماده (45): هرگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران براساس قرائن و شواهد موجود متوجه وقوع جرمی در مسائل پولی و بانکی (ارزی و ریالی) در بانکها و موسسات اعتباری شود، می‌تواند به منظور جلوگیری از وقوع جرم یا گسترش</p>	3

پیشنهادات اصلاحی	توضیحات توجیهی	متن ماده	ماده
<p>اخذ مدارک و مستندات بیشتر انجام دهد و موضوع را نیز بلافاصله به مقامات ذی صلاح قضایی گزارش دهد. "</p>	<p>انتهای ماده برای بانک مرکزی شده، دیده نشده است. براساس تجربه تاریخی کشور، هیچ اثر اجرایی بر چنین الزامات و تکالیفی به خصوص اگر طرف بانک مرکزی باشد، مترتب نیست!!</p>	<p>دامنه آن، اقدامات پیشگیرانه از قبیل مسدود یا محدودسازی تراکنشها و حسابهای اشخاص را انجام و حداکثر ظرف (48) ساعت بررسیهای لازم را معمول و در صورت رفع ظن ایجاد شده، نسبت به برطرف کردن محدودیت یا مسدودسازی حسابها اقدام نموده و در غیر این صورت بلافاصله گزارش موضوع را همراه با مستندات، دلایل و مدارک وقوع جرم به مراجع قضایی ارسال کند. مرجع قضایی در اسرع وقت به پرونده رسیدگی و نتیجه را به بانک مرکزی اعلام می نماید. در صورت خودداری بانک مرکزی از ارسال به موقع پرونده به مرجع قضایی، این بانک مکلف به جبران خسارت وارده به صاحب یا صاحبان حساب می باشد. در این صورت بانک مرکزی جهت دریافت خسارت پرداخت</p>	

ماده	متن ماده	توضیحات توجیهی	پیشنهادات اصلاحی
	<p>شده به مسبب تاخیر مراجعه خواهد نمود.</p> <p>ماده (47): تشخیص هرگونه اخلال در نظام پولی کشور (شامل ارزی و ریالی) برعهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.</p>	<p>- تفویض اختیار مطلق درخصوص تشخیص اخلال در نظام پولی کشور به بانک مرکزی، دارای ایراد اساسی است. در همین راستا لازم است که موارد و اقداماتی که موجب اخلال می‌گردد، احصا شده و تشخیص وقوع این اقدامات و تعیین آثار آن با بانک مرکزی باشد. اگر تشخیص اخلال در نظام پولی کشور در صلاحیت بانک مرکزی باشد، الزاماً محاکم قضایی نیز ملزم به تبعیت از آن خواهند بود که این امر با استقلال قاضی و تشخیص مستقل قضایی در تعارض قرار دارد.</p>	<p>❖ پیشنهاد می‌شود که ماده مذکور به شرح ذیل اصلاح گردد:</p> <p>"تشخیص هرگونه اخلال در نظام پولی کشور (شامل ارزی و ریالی) بر عهده قوه قضائیه است."</p>
4	<p>عنوان تبصره ماده (۱۶) قانون امور گمرکی - مصوب ۱۳۹۰ به تبصره (۱) اصلاح و متون زیر به عنوان تبصره های (۲) تا (۴) به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>تبصره (۲): گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است به درخواست صادر کننده نسبت به بررسی افزایش ارزش مندرج در اسناد گمرکی براساس قیمت نهایی فروش حداکثر</p>	<p>- تبصره 2 موجب تسهیل کم اظهاری می‌گردد. چرا که صادرکننده اطمینان دارد که در صورت نیاز، به راحتی می‌تواند در آینده اقدام به اصلاح ارزش گمرکی نماید.</p> <p>- عدم برگشت ارز حاصل از صادرات در تبصره (6) ماده (12) قانون اصلاح قانون</p>	<p>❖ پیشنهاد می‌شود مواردی که نیاز به تغییر ارزش گمرکی دارند، درخواست خود را به کارگروه ارزی موضوع آیین نامه برگشت ارز ارائه نمایند و کارگروه این درخواست را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع دهد. این شورا با اتکا به تبصره (8) ماده (12) قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، می‌تواند این صادرکنندگان را مستثنی کند.</p> <p>❖ تبصره (3) پیشنهادی حذف گردد.</p>

پیشنهادات اصلاحی	توضیحات توجیهی	متن ماده	ماده
	<p>مبارزه با قاچاق کالا و ارز، جرم انگاری شده و آیین نامه مربوطه نیز به تصویب هیئت وزیران رسیده است. اگر اصلاح مشخصی در قانون مورد نیاز است، بانک مرکزی می تواند از طریق هیئت وزیران اقدام به اصلاح آیین نامه نماید. بنابراین ضرورتی برای ذکر تبصره (3) پیشنهادی وجود ندارد.</p>	<p>ظرف شش ماه از تاریخ صدور پروانه گمرکی – بدون رعایت مفاد ماده (۱۶) قانون امور گمرکی و شمول جرمیه تبصره ماده (۱۰۷) قانون مذکور اقدام نماید. همچنین گمرک مکلف است در صورتی که صادرکننده مبلغی بالاتر از ارزش پایه گمرکی برای کالاهای اظهاری اعلام نماید، نسبت به بررسی موضوع بدون رعایت مفاد این ماده و بدون شکول جرمیه موضوع تبصره ماده (۱۰۷) این قانون اقدام نماید.</p> <p>تبصره (3): برگشت ارز حاصل از صادرات باید در چهارچوب مقررات ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.</p>	